

## ژام دارمستتر، ایران‌شناس فرانسوی

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران، استادیار گروه زبان‌های خارجی دانشکده ادبیات و علوم انسانی)

در فرانسه قرن نوزدهم، ایران‌شناسی توانست با چند تن ایران‌شناس در شرق‌شناسی، به‌ویژه در مقابل خیل ایران‌شناسان آلمانی، عرض وجود کند و دارمستتر یکی از این چند تن بود.

ژام دارمستتر<sup>۱</sup> (۱۸۴۹-۱۸۹۴) در شاتوسالین<sup>۲</sup>، شهری در ناحیه لورن<sup>۳</sup> (فرانسه) متولد شد. پدرش صحاف بود و از دارمشتات<sup>۴</sup> آلمان به فرانسه آمده و ابتدا در شاتوسالین مستقر شده بود. وی متعاقباً، برای تحصیلات دو فرزندش، آرسن<sup>۵</sup> و ژام، رهسپار پاریس گشت و در آن شهر مقیم شد.

ژام، پس از طی دوره دبیرستان پرآوازه کوندورسه<sup>۶</sup> پاریس، تحصیلات خود را تا اخذ لیسانس ادبیات ادامه داد. چند صباحی پیش از این ایام، ویکتور دوروئی<sup>۷</sup>، وزیر آموزش و تحصیلات عالی ناپلئون سوم، در بازگشت از سفری تحقیقاتی به آلمان و پس از بازدید از پیشرفت‌های این کشور در زمینه مطالعات عالی دانشگاهی، مدرسه مطالعات عالی<sup>۸</sup> پاریس را در سال ۱۸۶۸ بنیان نهاده بود. آرسن، که مدتی بود به این مدرسه می‌رفت، برادر خود را نیز به تحصیل در آن ترغیب کرد. دارمستتر، در سال ۱۸۷۲ (در ۲۳ سالگی)

1) James DARMESTETER

2) Château-Salins

3) Lorraine

4) Darmstadt

5) Arsè ne

6) Condorcet

7) Victor DURLY

8) Ecole des Hautes Etudes

وارد این مدرسه شد و در سال بعد، زیر نظر میشل برنال<sup>۹</sup>، از مهاجران آلمانی، به فراگیری زبان زند مشغول گشت و، در سال ۱۸۷۷، در مقام مُعید<sup>۱۰</sup> درس این زبان، یارِ استاد شد. هم‌زمان، در درس زبان سانسکریت این مدرسه به استادی اووت بنو<sup>۱۱</sup> (شاگرد اوژن بورنوف<sup>۱۲</sup>، ایران‌شناس و زبان‌شناس ممتاز) و ایل برگنی<sup>۱۳</sup> شرکت کرد. در فرانسه، بورنوف نخستین کسی بود که به اهمیت کار فرانتس بوپ پی برد و، در اثر خود به نام ملاحظات دربارهٔ بخشی از دستور تطبیقی فرانتس بوپ مربوط به زبان زند<sup>۱۴</sup>، به مطالعه و معرفی آن پرداخت و حتی تدریس دستور تطبیقی فرانتس بوپ را در دانشسرای عالی<sup>۱۵</sup> برعهده گرفت. بورنوف و بوپ از شاگردان آنتوان لئونار دو شیزی<sup>۱۶</sup>، ایران‌شناس و سانسکریت‌دان بزرگ فرانسوی، بودند. برنال، که پس از بورنوف در کولژ دو فرانس<sup>۱۷</sup> به تدریس دستور تطبیقی مشغول شد، اشتهاار خود را در این ایام بیشتر مدیون ترجمه آلمانی<sup>۱۸</sup> (برلن ۱۸۳۳-۱۸۵۲) اثر استادش، بوپ، بود. وی مناسب دید گرایش دارمستتر را از زبان لاتینی به طرف زبان زند و مطالعه در متون و فرهنگ ایران باستان سوق دهد. دارمستتر در درس برنال در کولژ دو فرانس که به الواح ایگوییوم<sup>۱۹</sup> اختصاص داشت حضور می‌یافت. دارمستتر، در مدرسهٔ مطالعات عالی، در درس استانیسلاس گیار<sup>۲۰</sup> نیز، که حوزهٔ آن ایران عصر اسلامی بود، شرکت می‌کرد. گیار، در ابتدای تأسیس این مدرسه،

9) Michel Bréal

۱۰) ré pé titeux، آن که شرح درس مدرّس را برای متعلّمان تکرار کند.

11) HAUETTE-BESNAULT

12) Eugène BURNOUF

13) Abel BERGAIQNE

14) *Observations sur la partie de la grammaire comparative de F. Bopp qui se rapporte à la langue Zende* (Paris 1833)

15) Ecole Normale Supérieure

16) Antoine Léonard de CHAZY

17) Collège de France

18) *Grammaire comparative des langues sanscrite, zende, grecque, latine, lithuanienne, gothique et allemand* (Berlin 1833-1852)

۱۹) Tables Eugubines، الواح مفرغی منقوش که در سال ۱۹۴۴ در گوبیو (شهری در اومبریا Umbria) کشف شد. این الواح به فهم زبان قدیم اومبریا (در ایتالیا مرکزی) کمک کردند و از آنها دربارهٔ مناسک دین قدیم ایتالیا اطلاعات سودمندی به دست آمد.

20) Stanislas GUYARD

به عنوان مُعید تدریس می‌کرد و پس از چندی به استادی زبان فارسی نو و زبان عربی ارتقا یافت؛ سپس، در کولژ دو فرانس، تدریس زبان عربی به او محوّل شد. برئال اظهار علاقه می‌کرد که دارمستتر در زمینه ایران‌شناسی ادامه‌دهنده کار او باشد و، از این راه، دلبستگی شاگرد جوانش را به این حوزه مطالعاتی دوچندان ساخت. دارمستتر، در سال ۱۸۷۵، نخستین رساله‌اش، خرداد و اژداد<sup>۲۱</sup>، را ارائه داد و بزرگتی و گیار او را به انجمن آسیائی معرفی کردند که به عضویت آن انتخاب شد. سپس، در سال ۱۸۷۷، رسالۀ اهرمز و اهریمن<sup>۲۲</sup> را (با یادکرد آنکتیل دوپرون<sup>۲۳</sup> و اوژن بورنوف) منتشر کرد. در همین سال، تدریس در مدرسه مطالعات عالی را، در مقام معید، آغاز نهاد که هفده سال ادامه یافت. وی، در سال ۱۸۸۰، به مقام معاون<sup>۲۴</sup> و، سرانجام، در سال ۱۸۹۳، به مقام مدیر تحقیقات<sup>۲۵</sup> ارتقا یافت.

شکی نیست که توجه دارمستتر به اسطوره‌های ایران باستان، به‌ویژه امشاسپندان و سپننه مینو (سپند مینو)، ثمره تشویق برئال بود که آن را برای رسالۀ دکتری شاگردش پیشنهاد کرده بود. به‌علاوه، خود او، در سال ۱۸۶۳، با الهام گرفتن از دستور تطبیقی فرانتس بوپ، در اسطوره‌شناسی تطبیقی مطالعاتی تحت عنوان هرکول و کاکوس<sup>۲۶</sup> آغاز کرده و میدان تحقیقی تازه‌ای درباره اسطوره‌های اولیه بنیان نهاد بود.

پس از انتشار دو رسالۀ یادشده و مقالاتی چند درباره زبان و فرهنگ ایران باستان بود که ماکس مولر<sup>۲۷</sup>، زبان‌شناس، خاورشناس و اسطوره‌شناس آلمانی مقیم لندن و از شاگردان اولیه بورنوف، به دارمستتر پیشنهاد کرد که، در مجموعه کتب مقدس شرق<sup>۲۸</sup>، ترجمۀ جدیدی از زنداوستا به زبان انگلیسی ارائه کند. هدف این پیشنهاد نوعی جبران عقب‌افتادگی انگلیسی‌ها در مطالعات اوستایی بود. دارمستتر دو جلد اول این ترجمه را به چاپ رسانده بود و به جلد سوم رسیده بود که خبر یافت میلز<sup>۲۹</sup>، ایران‌شناس امریکایی، آن را در دست دارد و به تقاضای او از ترجمۀ آن جلد خودداری کرد. سرانجام، ترجمۀ انگلیسی زنداوستا به نام این هر دو در مجموعه کتب مقدس شرق

21) *Haurvatât et Amardâd* (Paris 1875)

22) *Ohrmazd et Ahriman* (Paris 1877)

23) ANQUETIL-DUPERRON

24) Directeur adjoint

25) Directeur d'études

26) *Hercule et Cacus* (Paris 1863)

27) Max Müller

28) *Les livres sacrés de l'Orient*

29) L.H. Mills

انتشار یافت<sup>۳۰</sup>. دارمیستتر، پس از سفری تحقیقاتی به هند در سال‌های ۱۸۸۶ و ۱۸۸۷، ترجمه فرانسوی زنداوستا را در سالنامه موزه گیمه به چاپ رساند.<sup>۳۱</sup>

جلد اول ترجمه فرانسوی، همچون ترجمه انگلیسی، شامل مقدمه‌ای مفصل درباره تاریخ مطالعات ایرانی در اروپا بالأعم و در فرانسه بالأخص است. آراء و اظهارنظرهای دارمیستتر درباره زردشت و موطن و دین او، که اکنون بی‌پایگی آنها مسلم شده است، در آن هنگام نیز مناظرات و مخالفت‌هایی را برانگیخت. شاگرد وی، آنتوان میه<sup>۳۲</sup>، با قاطعیت اشتباهات استادش را یک‌به‌یک متذکر شده است. وی اهمیت کارهای او را صرفاً در دو اثر می‌داند: یکی ترجمه زنداوستا؛ دیگری مطالعات ایرانی<sup>۳۳</sup> (۱۸۸۳) در دو جلد. در جلد اول با عنوان فرعی «مطالعاتی درباره دستور تاریخی زبان فارسی» که منظور نظر میه بوده است، مباحث جالبی درباره فارسی باستان (عهد هخامنشی)، فارسی میانه (دوره ساسانی) و فارسی نو (دوره اسلامی) درج شده است. جلد دوم، که بیشتر حکم جنگ مطالعات ایرانی را دارد، حاوی مقالاتی است که در مجله نقد<sup>۳۴</sup> و در رساله‌های تحقیقی انجمن زبان‌شناسی پاریس<sup>۳۵</sup> منتشر شده است. چند مقاله درباره اسطوره‌شناسی ایرانی و ترجمه قطعاتی از خرده‌اوستا هم در آن آمده است.

دارمیستتر در آغاز تبیعات شرقی<sup>۳۶</sup> (۱۸۸۳)، که آن نیز هم‌زمان با مطالعات ایرانی منتشر شده، در مقاله «خاورشناسی در فرانسه»<sup>۳۷</sup>، با شوق تمام، مدعی گشته که کشفیات مهم خاورشناسی دستاورد فرانسویان در خاورشناسی نوین است. از این رو، بین خاورشناسی نوین (علمی) و دستور تطبیقی، که خاستگاه آن آلمان و بهترین محصول تاریخ خاورشناسی علمی است، باید فرق قایل شد. دارمیستتر خاورشناسی علمی را ژنسانس دوم یا ژنسانس شرق خوانده است.

30) "Mills and DARMESTETER's English Translation of the *Zend Avesta*" in vols. IV, XXIII, XXXI of Professor M. MULLER's *Sacred Books of the East* (Oxford 1880-1883)

31) J. DARMESTETER, "*Le Zend Avesta*": *Traduction nouvelle avec commentaire historique et philosophique* (3 vols, Paris 1892-1893: vols. XXI, XXII et XXIV des *Annales du Musé eGuimet*)

32) Antoine MEILLET

33) *Etudes iraniennes* (Paris 1883, 2 vol.)

34) *Revue Critique*

35) *Mémoires de la Société de Linguistique de Paris*

36) *Essais orientaux* (Paris 1883, 2 vol.)

37) *L'orientalisme en France*

دارمستتر، با این کارهای علمی و با قلم‌گیری خود، راه را برای نشستن در مقام ارنست ژنان<sup>۳۸</sup>، دبیر انجمن آسیائی پاریس، و نیز با فاصله کمی بر مسند استادی کولژ دو فرانس فراهم ساخت. وی، در جلسه ۱۴ نوامبر ۱۸۸۴ انجمن آسیائی، رسماً به جانشینی ژنان انتخاب شد و، به رسم همیشگی انجمن، گزارش پیشرفت‌های خاورشناسی در فرانسه و اروپا و آسیا را ارائه داد. در کولژ دو فرانس، گُرسی «زبان فارسی»، که از سال ۱۸۷۶ در اختیار باریبه دو منار<sup>۳۹</sup> بود، در ۲۳ ژانویه ۱۸۸۵ به «زبان و ادبیات ایران» تبدیل و به دارمستتر تفویض شد و وی درس خود را در تاریخ ۱۶ آوریل همین سال تحت عنوان «نگاهی به تاریخ ایران»<sup>۴۰</sup> آغاز و سپس باز در همین سال مهدی از آغاز اسلام تا عصر ما<sup>۴۱</sup> را منتشر کرد. ترجمه این هر دو در ایران انتشار یافته است. همچنین مقاله‌ای از او با عنوان «نامه تنسر به شاه طبرستان» در مجله آسیائی به چاپ رسیده<sup>۴۲</sup> که زمینه‌ساز تحقیقات چندی در ایران شده است.

در سال‌های ۱۸۸۶ و ۱۸۸۷، چنان‌که اشاره رفت، دارمستتر به همراه هیئتی به هند سفر می‌کند و مدت ۹ ماه در این کشور به تحقیقات میدانی می‌پردازد؛ اما تقاضای او برای شرکت در مراسم بهدینان (پارسیان) بمبئی اجابت نمی‌شود. وی به نسخ خطی چندی، از جمله نسخه وندیداد ساده که صدویست و پنج سال پیش از این آنکتیل دو پرون در سورت به تحقیق درباره آن و ترجمه آن پرداخته بود، دست می‌یابد و مجموعه آنها را به کتابخانه ملی پاریس انتقال می‌دهد. این سفر ثمرات بسیاری داشت که دارمستتر، طی مقالاتی در نشریات علمی، آنها را ارائه داد. وی به خصوص زبان پشتو، از زمره زبان‌های ایرانی و جزو خانواده زبان‌های هندواروپایی، را در اثر مستقلاً به نام خاستگاه‌های شعر فارسی<sup>۴۳</sup> (۱۸۸۷) بررسی کرد. به گفته کلیمان اوآر<sup>۴۴</sup>، او، در این کتاب، از آثار هرمان اِته<sup>۴۵</sup> استفاده کرده بود.

38) Ernest RENAN

39) Barbier de MEYnard

40) Coup d'œil sur l'histoire de la perse (Paris 1885)

41) *Le Mahdi, depuis l'origine de l'Islam jusqu' à nos jours* (Paris 1885)

42) "La lettre de Tansar au roi de Tabarestan", *Journal Asiatique*, 1894, t. V, pp. 185-250; 505-553.

43) *Les origines de la poé siepersane*

44) Clément HUARI

45) Hermann EITĀ

بعد از سالومون مونک<sup>۴۶</sup>، که پس از سفر به مصر شماری نسخ خطی عبری مهم را در «چنیزه»ها (گوشه‌ای از کنیسه که اوراق پراکنده و بسیار کهنه عبری در آن نگهداری می‌شود) یافته و آنها را به کتابخانه ملی پاریس منتقل کرده بود، دارمستتر نیز به معرفی نسخ خطی عبری فارسی می‌پردازد و راه را برای ایران‌شناسان علاقه‌مند به این مبحث باز می‌کند. وی شاگردان برجسته‌ای همچون ادگار بلوشه<sup>۴۷</sup>، آدریان بارتلمی<sup>۴۸</sup> و آنتوان میه تربیت کرده بود که می‌توانستند ادامه‌دهنده فعالیت علمی او در کرسی کولژ دو فرانس باشند. لیکن، با درگذشت دارمستتر، کرسی او در این مرکز آموزشی مهم منحل می‌شود، هرچند در مراکز دیگری به حیات خود ادامه می‌دهد و حتی اهمیت آن، پس از کشفیات تورفان و نقش و مقام زبان سُغدی دو چندان می‌گردد.

ترجمه آثار دارمستتر به زبان‌های گوناگون، و تجدید چاپ آنها نام و آوازه او را همچنان پایدار نگه داشته است.

## منابع

- براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی پاشا صالح، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶.
- برتلُس، یوگنی ادواردوویچ، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه سیروس ایزدی، هیرمند، تهران ۱۳۷۴.
- BARBIER DE MEYnard, Casimir-Adrien (1894), "James Darmesteter", *allocation prononcée à la Société téAsiatique, le 9 novembre 1894*, in *Journal asiatique (J.A.)*, t. 4, pp. 519-534.
- BRÁAŁ Michel (1895), "L'œuvre scientifique de James DARMESTETER", in *Revue politique et litté raire* t. 3, pp. 195-199.
- GUYARD, Stanislas (1883), "Etudes iraniennes, par, J. DARMESTETER, Paris 1883, 2 vol.", in *Revue Critique*, t. XVI, pp. 153-156.
- HUART, Clément (1922), "L'islamisme", *Le livre du centenaire de la société asiatique (1822-1922)*, Paris, pp. 141-205.
- Journal asiatique*, t. 5, p. 177, "Sé ancedes nominations"; *Ibid.*, 1884, t. 4, p. 562, "Sé ancedu 14 novembre".
- MEILLER, Antoine (1922), "Les Etudes iraniennes anciennes", *Le livre du centenaire etc.*, pp. 211-217.



46) Salomon Munk

47) Edgar Blocher

48) Adrien Barthélemy